



عمرانی/پیکر

# کاهش ۳۰ درصدی ازدواج دختران در دهه ۹۰

هم اکنون در نیمه پایانی پنجره جمعیتی قرار گرفته‌ایم و با کاهش ازدواج و فرزندآوری بحران جمعیت دیگر قابل حل نخواهد بود

بحران جمعیت در کشورمان جدی است و به درستی می‌توان این بحران را ابرچالش قرن پانزدهم دانست. نگاهی به آمارهای جمعیتی نشان می‌دهد دهه پیش‌روی آخرین فرصت برای جبران بحران جمعیت کشور و خروج از این سیاهچاله است و پس از آن با بسته شدن پنجره جمعیتی دیگر هیچ راهکاری باقی نمی‌ماند و بحران جمعیت در بن‌بستی قرار می‌گیرد که هیچ راهی برای خروج از آن وجود ندارد. با ورود جمعیت متولد دهه ۶۰ به سنین ازدواج، کشور از ابتدای دهه ۱۳۸۰ وارد پنجره جمعیتی شد اما هم اکنون در نیمه پایانی پنجره جمعیت قرار گرفته‌ایم. پنجره جمعیتی به معنای دوره‌ای است که در آن یک کشور بیشترین جمعیت جوان و پویا را داراست که قادرند

علاوه بر فرزندآوری به رشد و توسعه کشور کمک کنند. حالا اما علاوه بر اینکه در نیمه پایانی این پنجره قرار داریم، میانگین سنی جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله و در سنین کار و فعالیت در حال افزایش است. این یعنی کیفیت جمعیت فعال در حال کاهش است و آخرین بر فرصت‌های رشد و پیشرفت اقتصادی به‌زودی به پایان خواهد رسید. در این میان یکی از اصلی‌ترین راهکارها برای ممانعت از تعمیق بحران جمعیت حل فصل مسئله ازدواج جوانان است که خود به بحرانی بزرگ تبدیل شده است و بپراه نیست اگر بحران جمعیت کشور را زاییده بحران ازدواج بدانیم. آمارهای رسمی از کاهش ۴۰ درصدی ازدواج در یک دهه اخیر حکایت دارند و در این بین وضعیت

ازدواج دختران قابل تأمل تر است، چراکه به رغم میل ۹۶ درصد از آنان به ازدواج و تشکیل خانواده، در دهه ۹۰ آمار ازدواج دختران ۳۰ درصد کاهش داشته است. با عنایت به نقش محوری زنان در افزایش جمعیت و فرزندآوری، افزایش سن ازدواج دختران و رسیدن آنها به مجرد قطعی علاوه بر تبعات فردی و خانوادگی می‌تواند بحران جمعیت را در کشور تعمیق کند. در این میان قانون تسهیل ازدواج جوانان از سال ۸۴ خاک می‌خورد و حالا از یکسو جوانان مجرد و از سوی دیگر فعالان حوزه آسیب‌های اجتماعی منتظرند ببینند دولت سیزدهم و زاییده بحران ازدواج بداندیم. آمارهای رسمی ازدواج جوانان و در نتیجه حل و فصل بخش مهمی از بحران جمعیت چه برنامه‌ای دارد.

هر از چندگاه آمارهای متعددی از وضعیت ازدواج جوانان دم بخت و دختران و پسرانی که از سن مناسب ازدواج عبور کرده‌اند منتشر می‌شود. آمارهایی که با عنایت به بازه‌های سنی گوناگون آمار جوانان ده بخت را از ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر برآورد می‌کنند. همه این آمارها اما یک نقطه اشتراک دارند و آن چیزی نیست جز اینکه روند ازدواج و سر و سامان گرفتن جوانان کند شده و آمارهای کلی ازدواج در کشورمان کاهش است.

**کاهش ۳۰ درصدی آمار ازدواج دختران در دهه ۹۰**  
کاهش ۴۰ درصدی ازدواج در یک دهه اخیر موضوعی است که از سوی معاون بهداشتی وزیر بهداشت رسانی‌ها شد. در این میان وضعیت دختران مجرد قابل تأمل تر است. حدود ۴/۵ الی ۵ میلیون دختر مجرد در سن ازدواج داریم که سالانه تنها ۵۳۰ هزار مورد از آنها ازدواج می‌کنند و این نسبت مناسب نیست.»

به گفته این پژوهشگر حوزه خانواده، بیش از یک سوم ازدواج‌های ایران برای دختران زیر سن ۱۹ سال انجام می‌شود و عملاً یک ازدواج دختران تا سن ۲۵ سالگی است.

**بی میلی ۲۳ درصد از جوانان به ازدواج با وجود مهیا بودن شرایط**  
برخی دیگر از آمارها اما از کاهش تمایل جوانان به ازدواج حکایت دارد. مطابق یک نظرسنجی که اوایل اسفند توسط وزارت بهداشت انجام شده است ۳۷ درصد جوانان کشور گفته بودند انگیزه تشکیل خانواده ندارند و انجام عمل ازدواج جزء لزومات زندگی آنها نیست.

عظیم کریمی، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان ایران هم از نتایج نظرسنجی این معاونت خبر می‌دهد و می‌گوید: «براساس نظرسنجی‌های انجام شده روی جوانان در آستانه ازدواج، ۳۳ درصد جوانان حتی با وجود پیدا شدن فرد مناسب و فراهم بودن شرایط اقتصادی تمایلی به ازدواج ندارند.»

**ریشه‌های اقتصادی بی میلی جوانان به ازدواج**  
اما وقتی به ریز موارد مطرح شده و مسبب کاهش تمایل جوانان به ازدواج نگاه می‌کنیم درمی‌یابیم این بی میلی به ازدواج در عمل

ریشه‌های اقتصادی دارد. به گفته کریمی ۳۴/۹ درصد از جوانان بالا بودن هزینه‌های ازدواج، ۲۰ درصد جوانان نداشتن شغل و ۲۶/۳ درصد جوانان نیز ترس از ازدواج ناموفق را از دلایل تأخیر در ازدواج عنوان کرده‌اند.

وی «نداشتن شغل» را از دلایل تأخیر در ازدواج ۳۰ درصد از جوانان ایرانی معرفی می‌کند و می‌افزاید: «یکی از علل کاهش ازدواج نیز افزایش آمار طلاق است که این افزایش آمار باعث می‌شود جوانان از ترس طلاق برای ازدواج اقدام نکنند.»

افزایش ۵ درصدی آمار ازدواج در سال کروناوی گواهی است بر اینکه اصلی‌ترین مانع ازدواج جوانان مسائل اقتصادی و برخی سنت‌های اشتباهی همچون اصرار خانواده‌ها بر مراسم‌های پرزرق و برق برای ازدواج است. این موانع آنقدر بزرگ شده که در نهایت تمایل جوانان را به ازدواج کاهش داده است.

مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان ایران هم با بیان اینکه کاهش هزینه مراسم ازدواج در دوره شیوع کرونا باعث افزایش ۵ درصدی نرخ ازدواج در ایران شده است، می‌گوید: «در سال ۹۸ تعداد ۵۳۳ هزار و ۱۶۵ مورد ازدواج در کشور ثبت شده که در سال ۹۹ رقم به ۵۵۶ هزار و ۶۹۹ مورد افزایش یافته که این افزایش ۵ درصدی به دلیل کرونا و حذف مراسم‌ها و کم شدن هزینه‌های ازدواج رقم خورده است.»

**تفاوت سن ازدواج در استان‌های مختلف**  
اگر به دور و بر خودمان نگاهی بیندازیم کم نیستند دختران بالای ۳۰ ساله‌ای که ازدواج نکرده‌اند. در عین حال بسیاری از دختران بالای ۳۰ هنوز شانس ازدواج دارند و حتی شاهد ازدواج دختران مجرد نزدیک به ۴۰ سالگی و بالاتر از ۴۰ سالگی هم هستیم و این نشان

می‌دهد در کنار بالا رفتن سن ازدواج سن مجرد قطعی هم بالا رفته و بالا رفتن سن ازدواج به معنای این نیست که این افراد برای همیشه شانس ازدواج را از دست داده‌اند. اما با بالا رفتن سن ازدواج شانس فرزندآوری به مراتب پایین‌تر می‌آید و قدرت باروری زنان بالای ۳۵ سال کاهش می‌یابد. از این گذشته با فرض سلامت باروری با ازدواج سن بالا فرصت باروری و فرزندآوری کاهش می‌یابد و زمانی که در سنین بالای ۳۵ سالگی ازدواج کنند عملاً امکان داشتن بیش از یک یا دو فرزند ندارند. با تمام اینها سن ازدواج تابع فرهنگ و موقعیت اجتماعی هم است به گونه‌ای که متوسط سن ازدواج در استان‌های مختلف کشور متفاوت است.

طبق آمار سازمان ثبت احوال در سال ۹۸ به ترتیب پنج استان تهران (۳۲ سال)، البرز (۳۱/۵ سال)، مازندران (۳۰/۹ سال)، مرکزی (۳۰/۸ سال) و فارس (۳۰/۸ سال) بالاترین میانگین سن ازدواج در مردان بوده‌اند. در زنان هم به ترتیب پنج استان کشور از جمله کرمانشاه (۳۰/۱ سال)، تهران (۲۸ سال)، البرز (۲۷/۳ سال)، گیلان (۲۶/۴ سال) و مازندران (۲۶/۲ سال) دارای بالاترین میانگین سن ازدواج در زنان بوده‌اند. به همین تناسب نمی‌توان دختر ۲۵ ساله‌ای که در استان تهران زندگی می‌کند را در معرض مجرد قطعی به‌شمار آورد. هر چند بعد از ۳۰ سالگی زمینه‌های ازدواج دختران کاهش می‌یابد و شاید بعد از ۴۰ سال دختران مجرد در صورت تمایل به ازدواج ناگزیر شوند مردان دارای سابقه ازدواج قبلی را هم در میان خواستگاران بپذیرند. از سوی دیگر شانس باروری زنان به تناسب افزایش سن ازدواج کاهش می‌یابد و همین افزایش سن ازدواج هم یکی از عوامل اصلی کاهش جمعیت و ابر بحران شدن این ماجراست.

## یادداشت

### عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری آقایان عامل اصلی کاهش ازدواج است



**دکتر سعیده سرافراز\***  
یکسری مطالعات و تحقیقات با پایه اجتماعی و بعضاً علمی و آکادمیک منتشر شده با این موضوع که ازدواج دختران ما به ویژه متولدین دهه ۶۰

رفته رفته دختران دهه ۷۰ به تأخیر افتاده است. در بسیاری از این مطالعات تحصیلات دختران، جایگاه اجتماعی و استقلال مالی آنان را از عوامل عدم ازدواج دختران برشمردند. به نظر من از یکسو ما می‌توانیم این موضوع را قبول کنیم. خیلی قدیم ترها بسیاری از دخترها با انگیزه‌های خیلی ساده از ازدواج می‌کردند. اینکه خانه و فرزند و یک زندگی ساده داشته باشند برایشان کافی بود اما به مرور زمان بالا رفتن جایگاه اجتماعی خانم‌ها مزیت‌هایی را برای آنان فراهم کرد که این مسئله تبعاتی هم داشت و آن تأخیر در ازدواج یا عدم ازدواج است و خودش می‌تواند چالش‌هایی را ایجاد کند. برای خانمی که درآمد دارد و توانسته است خانه و اتومبیلی هم برای خود تهیه کند داشتن این گزینه‌ها از سوی پسری که به خواستگاری‌اش می‌آید چندان جذابیتی ندارد و به دنبال چیزهای بهتری است که با شرایط اقتصادی امروز تهیه این ملزومات سخت است. اما من به عنوان یک

متخصص و فردی که با جمع کثیری از دختران جوان ارتباط دارم در مطالعه‌ای بالینی که بین تعداد زیادی از مراجعه‌کنندگانم داشتم در بین آنها حلقه مفقوده‌ای که مانع از شکل‌گیری یک ارتباط سالم و پیدا کردن فردی مناسب برای زندگی‌شان شده، تعهد و مسئولیت‌پذیری آقایان است. نمی‌خواهم فقط این مسئله را متوجه آقایان بدانم اما این روزها میزان مسئولیت‌پذیری قشر جوان ما برای یک رابطه سالم، پیش‌رونده و متعهدانه کم شده است. دلایل این موضوع متفاوت و متعدد است. روابط موزی با عدم انگیزه برای رابطه‌ای که ممکن است در درسد یا محدودیت‌هایی داشته باشد نمونه‌هایی از این دلایل است. به هر حال از ازدواج با تمام نکات مثبتی که دارد، یکسری محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند که باید مدیریت شود. اما اینکه بگوییم دختر خانم‌های ما صرفاً به دلیل مسائل اقتصادی سراغ ازدواج نمی‌روند به نظر می‌رسد امری غیر منصفانه است. برخی دخترها ممکن است به دلیل داشتن شرایط نسبی مناسب در خانه پدری به دنبال شرایط بهتر باشند اما ما افرادی مواجهیم که تمایلی به ازدواج ندارند. وقتی تمایل در فردی به‌وجود می‌آید تمام تلاشش را برای برآوردن موانع و تسهیل مسیر انجام می‌دهد نه اینکه بخواهد خودش هم مانعی به‌وجود بیاورد. بر این اساس متعهد و عدم مسئولیت‌پذیری، حلقه مفقوده‌های است که مانع از ازدواج جوانان در دوران حاضر شده است. هر قدر این بازه سنی بالا می‌رود آگاهی نسبت به بزرگی مسئولیت زندگی بیشتر می‌شود و شاید بتوانیم بگوییم این بزرگی مسئولیت مانع از پذیرش آن و زیر بار ازدواج رفتن می‌شود.

در سنین پایین‌تر چون بزرگی مسئولیت‌زدگی برای دختران و پسران مشخص نشده است آنها این جرئت را پیدا می‌کنند که سراغ ازدواج و تشکیل خانواده بروند. اما در سنین بالاتر آگاهی نسبت به این موضوع می‌تواند باعث فرار افراد از ازدواج شود. طبیعی است که همه دوست دارند با مشکلات و در دسرهای کمتری مواجه شوند؛ موقعیت بهتر، فرد بهتر و زندگی زیباتر، اما وقتی من به عدم تعهد و مسئولیت در آقایان اشاره کردم برای این است که طبق عرف اجتماعی جامعه ما عموماً مردان برای ایجاد ارتباط و خواستگاری پیشقدم می‌شوند و اینجاست که نقش آقایان در عنوان افرادی که یک طرف ماجرا هستند بسیار پررنگ و قابل توجه است.

با بالا رفتن سن ازدواج بی میلی‌های سن ازدواج ما در جامعه با افرادی مواجه می‌شویم که شنشان بالا رفته و بهداشت و سلامت هزینه‌هایی را برای دولت، جامعه تحمیل می‌کنند. این افراد از نظر اقتصادی، روانی و بهداشت و سلامت هزینه‌هایی را برای دولت، جامعه و اطرافیان خود خواهند داشت اما اصلی‌ترین بخش این ماجرا تنهایی خود این افراد است. به نظر من آموزش و کارگاه‌های تخصصی یا در سطح عمومی برای افزایش مسئولیت‌پذیری و نشان دادن جنبه‌های خوشایند این موضوع و سوق دادن افراد به این سمت است که می‌توانند زندگی را با وجود سختی‌هایش پیش ببرند و یکی از راهکارهایی است که می‌تواند نگاه جوانان را به موضوع ازدواج تغییر دهد. شاید یکی از وجوه قابل توجه این باشد که به دختر خانم‌ها یادآوری شود که می‌توانند با شرایطی متفاوت‌تر از آن چیزی که تصور می‌کردند زندگی مشترکشان را آغاز کنند و از آن لذت ببرند.

لازم است تا چارچوب‌های ذهنی دختران ما اصلاح شود و ترس‌ها و اضطراب‌هایی که برایشان وجود دارد و مانع ازدواج و تشکیل خانواده بین آنهاست از بین برود و این در در انتها تأکید می‌کنم برای حل مشکل ازدواج ما نیازمند افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری در جوانان و به ویژه در آقایان هستیم، چراکه آقایان باید به طرف مقابل خود که خانم‌ها هستند اطمینان‌بخشی از جنبه‌های مختلف را بدهند.

\* روانشناس

## سن مجرد قطعی هم مانند سن ازدواج افزایش داشته و برخی آمارها دقیق و علمی نیست



برای آنها داشته باشیم. اما توصیه است که دختران بالای ۳۰ سال این است که اصرار نداشته باشند با پسری که قبلاً ازدواج نکرده ازدواج کنند. من به عنوان کارشناس این حوزه معتقدم مردانگی که قبلاً کرده‌اند یا همسرشان را از دست داده و طلاق گرفته‌اند به مراتب نرمال‌تر از مردانی هستند که تا سنین بالا ازدواج نکرده‌اند و دلایل گوناگونی هم برای این مسئله دارم. بنابراین توصیه من به این خانم‌ها این است که شرط نداشتن تجربه ازدواج و حتی فرزند را در شرایط تان نگذارید، چرا که این خودش یک محدودیت ایجاد خواهد کرد.

**دکتر امیر حسین بانکی پور فرد**  
رئیس کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و تعالی خانواده مجلس شورای اسلامی

تجدد قطعی به مفهوم سنی است که خانم و آقا در آن سن خیلی به ندرت ازدواج می‌کنند، اما در حال حاضر به دلیل بالا آمدن سن ازدواج به همان نسبت ما شاهد بالا آمدن سن مجرد قطعی هستیم. بنابراین آمارهایی که بعضاً درباره مجرد قطعی در جامعه گفته می‌شود، چندان آمار درست و علمی نیست.

در حال حاضر ما شاهد آن هستیم که خانم‌های زیر سن ۴۰ سال مجرد و طلاق گرفته‌اند و حتی شاهد ازدواج خانم‌های بالای ۴۰ سال هستیم. بنابراین سن مجرد قطعی هم در ایران و هم در تمام نقاط دنیا تغییر کرده است.

در عین حال برای متولدین دهه ۶۰ با مضیق‌ه ازدواج برای دختران مجرد مواجهیم، به گونه‌ای که دختران بالای ۳۵ سال مجرد تعدادشان نسبت به پسران مجرد بیشتر است. مگر اینکه بخواهند با همسن خود ازدواج کنند. اگر ازدواج همسالان اتفاق بیفتد تعداد دختران و پسران مجرد این دهه مساوی است. ما باید برای دهه ششمی‌ها فکری جدی کنیم و طرحی



دخترانی که به مجرد قطعی رسیده‌اند حمایت‌های خاصی لحاظ شود و دولت برای زنان محروم از ازدواج حمایت‌های خاصی را در نظر بگیرد. به این دلیل که یکی از حمایت‌های اقتصادی که از زنان صورت می‌گیرد بخشی از طریق خانواده مبدأ یعنی پدر و مادران و بخشی از طریق همسر است، در صورتی که دخترانی که دچار مضیق‌ه ازدواج هستند از حمایت‌های همسر برخوردار نیستند و حمایت‌های خانواده خودشان هم از آنها گرفته و روز به روز تضعیف می‌شود. به نظر می‌رسد در قالب تبعیض مثبت، دولت و سیاستگذاران باید حمایت‌هایی را وضع کنند که در راستای حمایت از دختران محروم از ازدواج باشد.

**سیمه حاجی اسماعیلی**  
عضو هیئت علمی پژوهشکده زن و خانواده

## دولت باید از دخترانی که به سن مجرد قطعی رسیده‌اند حمایت کند

افزایش سن ازدواج هم برای پسران و هم برای دختران اتفاق افتاده است، اما می‌توانیم بگوییم که افزایش سن ازدواج برای دخترها چشمگیرتر و معنادارتر از افزایش سن ازدواج برای پسران است و از طرفی تبعات و آثار اجتماعی که به بار می‌آورد در مورد دختران خیلی بیشتر و قابل تأمل تر است.

عزت‌های مختلفی را می‌توان برای بالا رفتن سن ازدواج دختران برشمرد، اما مهم‌ترین دلایل آن این است که این اتفاق برای دختران اختیاری نیست، این اتفاق به صورت‌های مختلف تحلیل شده است. در برخی تحلیل‌ها گفته شده به دلیل اینکه دختران تحصیلات عالی پیدا کرده و ازدواجشان را به تأخیر انداخته‌اند این امر اتفاق افتاده اما ممکن است اینها دلیل اصلی نباشد و حتی می‌شود اینطور تحلیل کرد که دختران به دنبال تحصیلات عالی هستند که بتوانند شانس ازدواج خودشان را بهتر کنند.

باید شرایطی برای ازدواج آسان فراهم شود، اما باید در مورد

## نظر کارشناس